

پیش بینی پرخاشگری بر اساس شیوه های فرزند پروری دانش آموزان دختر متوسطه اول

پایه نهم شهرستان کهنوج

لیلا عمرانی^۱

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره هفدهم، اسفند ماه ۱۳۹۶، صفحات ۳۶-۲۴

چکیده

این پژوهش با هدف پیش بینی پرخاشگری دانش آموزان بر اساس شیوه های فرزندپروری میان دانش آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج انجام گرفت. نمونه پژوهش شامل ۲۷۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول (پایه نهم) شهرستان کهنوج بود که به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری، و پرسشنامه شیوه های فرزندپروری دیانا بامریند استفاده شد. و برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده، از رگرسیون خطی به روش همزمان، ضریب همبستگی پیرسون، و از نرم افزار آماری spss نسخه ۲۰ استفاده گردید. نتایج تجزیه و تحلیل فرضیات اصلی پژوهش مشخص کرد که سبک فرزندپروری مقتدر با پرخاشگری دانش آموزان رابطه منفی نشان دادند و سبک های فرزندپروری مستبد و سهل گیر رابطه مثبت با پرخاشگری دانش آموزان نشان دادند. در ادامه تجزیه و تحلیل ضرایب رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدر توانست پرخاشگری دانش آموزان را به طور منفی پیش بینی نماید و سبک فرزندپروری مستبد به طور مثبت توانست پرخاشگری را پیش بینی نماید. در نهایت در مدل کلی رگرسیون، سبک مقتدر توانست به طور منفی پرخاشگری را پیش بینی نماید.

کلیدواژه ها: پرخاشگری، شیوه های فرزندپروری، دانش آموزان

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره هفدهم، اسفند ماه ۱۳۹۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
روانشناسی

مقدمه

بسیاری از روان شناسان معتقدند نوجوانی یک دگرگونی جسمانی، روانی، شناختی و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. از قدیم این دوران هم از نظر نوجوانان و هم از نظر والدین دورانی به مراتب دشوارتر از زمان کودکی قلمداد شده است (ماسن هنری پاورل و همکاران، ۲۰۰۳؛ ترجمه یاسایی، ۱۳۸۲). یکی از عواطف متداول در بین نوجوانان خشم است که بر اثر برخورد نوجوان به مانعی که بر سر راه هدف او قرار می گیرد حاصل می شود و به پرخاشگری که یک واکنش عمومی با ناکامی امیال است منجر می گردد. به طور کلی نوجوانان در این دوران حساس می شوند؛ هیجان های شدید دارند، به دنبال احساس عدم اطمینان و تنش، ناسازگاری و پرخاشگری در آنان دیده می شود و اجتماع از آن ها می خواهد که مستقل باشند و روابط خود را با دیگران تغییر دهند (گلچین، ۱۳۸۱). در این میان شخصیت هر نوجوان آمیخته ای از ویژگی های ژنتیکی و یادگیری های محیطی است و بخش اعظم یادگیری محیطی فرد نیز در خانواده و به ویژه از طریق روش های تربیتی که والدین به کار می گیرند کسب می گردد (بالاخانی، ۱۳۹۰). با توجه به نقش اساسی خانواده در رشد و شکل گیری شخصیت فرزندان، می توان آن را به عنوان نقطه ی آغاز کسب مهارت های ارتباطی در نظر گرفت. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم ترین و عمده ترین نقش را در تربیت کودک ایفا می نماید. هم چنین هیچ بستری از نظر قدرت و گستره ی تأثیر با خانواده برابری نمی کند. خانواده بین افراد پیوندهایی برقرار می کند که منحصر به فرد هستند. کودکان در خانواده زبان، مهارت ها و ارزش های اجتماعی و اخلاقی فرهنگ خود را می آموزند و بدون تردید یکی از عوامل مهم و مؤثر در کسب مهارت ها الگوهای تربیتی خانواده و شیوه های ارتباط والدین با فرزندان می باشد؛ بنابراین، شیوه ای که در برقراری ارتباط با دیگران اتخاذ می شود، عامل مهمی در تعامل اجتماعی می باشد و ارتباط ضعیف می تواند به روابط ناسالم منجر شده و فشار روانی را افزایش داده و موجب پرخاشگری می شود. در واقع بررسی بحران های نوجوانی و نیمه عمر نشان داده است رفتار خانواده و رابطه والدین نوجوان با رشد رفتاری و روانی نوجوان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بودن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس نامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی-اجتماعی در بروز پرخاشگری نوجوانان است (صافی و صافی، ۱۳۸۸). لذا یک خانواده سالم و پویا می تواند با ایجاد روابط گرم و صمیمی و استفاده از شیوه های فرزندپروری مناسب به نوجوان خود کمک کند تا از هر گونه فشار روانی، خشونت و پرخاشگری به دور باشد (بشارتی پور، ۱۳۸۹).

پژوهش انجام شده رابطه پرخاشگری را با سبک های فرزندپروری مورد بررسی قرار داده است. همچنین پژوهش هایی که در داخل کشور در این مورد صورت گرفته است. آهنگر انزایی و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر، نشان دادند که بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری رابطه وجود نداشت. بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری فیزیکی، خصومت و خشم رابطه وجود داشت و بین سبک سهل گیرانه با پرخاشگری، خصومت و خشم رابطه وجود نداشت و بین سبک استبدادی با پرخاشگری فیزیکی و خصومت رابطه وجود دارد.

سید موسوی، نادعلی و قنبری (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و نشانگان برونی سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال به این نتایج دست یافتند که سبک فرزندپروری سهل گیرانه با نداشت نشانگان برونی سازی رابطه مثبت دارد ولی سبک فرزندپروری مقتدرانه با نشانه های برونی سازی همبستگی معنادار نشان داد و سبک فرزندپروری مستبدانه با نشانگان برونی شاری رابطه معناداری نداشت.

رابطه ی سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دختران نوجوان شهر تهران عنوان پژوهشی است که توسط روزی طلب، ابراهیمی و پشین (۱۳۹۲)، انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داد بین سبک دموکراتیک و پرخاشگری رابطه معنادار وجود نداشت و در واقع دموکراتیک بودن باعث کاهش پرخاشگری می شود ولی سبک سهل گیرانه و به ویژه سبک استبدادی باعث افزایش پرخاشگری دختران نوجوان می شود. هم چنین می توان این گونه ادعا نمود که بهترین سبک فرزندپروری برای کاهش پرخاشگری دختران نوجوان، سبک دموکراتیک است. این سبک بیانگر تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، کنترل منصفانه و واقع بینانه است، ولی سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی بیانگر تعامل نامناسب و کنترل غیرمنطقی فرزندان می باشد. بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با تاب آوری، منبع کنترل و پرخاشگری فرزندان عنوان تحقیقی است که توسط بالاخانی (۱۳۹۰)، انجام شده؛ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات بیانگر آن است که بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیرانه والدین با تاب آوری فرزندان رابطه معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد شیوه مقتدرانه مستقیم و در مورد شیوه های مستبدانه و آسان گیرانه معکوس می باشد. نیز بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه والدین با منبع کنترل دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد، که رابطه در مورد شیوه مقتدرانه مستقیم و در مورد شیوه مستبدانه معکوس می باشد. این در حالی است که نتایج نشان می دهد بین شیوه فرزندپروری آسان گیرانه والدین و منبع کنترل فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد. هم چنین وجود رابطه معنادار بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیرانه والدین با پرخاشگری فرزندان تأیید شده است، به این صورت که در مورد شیوه مقتدرانه و مستبدانه رابطه مستقیم و در مورد شیوه آسان گیرانه رابطه معکوس می باشد.

شفیع پور، شیخی، میرزایی و کاظم نژادلیلی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان سبک های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان را انجام دادند. نتایج نشان داد که والدین اکثر واحدهای مورد پژوهش دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه (۹۶/۵٪) بودند. هم چنین ۱۲/۱٪ از کودکان دارای مشکلات برونی سازی شده و ۸/۹٪ از آنان دارای مشکلات درونی سازی شده بودند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه هم با مشکلات رفتاری درونی سازی شده و هم با مشکلات برونی سازی شده رابطه منفی معنادار دارد. سبک فرزندپروری سهل گیرانه تنها با مشکلات رفتاری درونی سازی رابطه مثبت معنادار داشت. در مطالعه ای با عنوان بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری، کارازه، عبدی و حیدری (۱۳۹۴)، یافته ها نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه با میانگین ۲۲/۳۳ درصد بیشترین سبک فرزندپروری مادران است و خرده مقیاس های ارتباط، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و کارکرد کلی خانواده با مشکلات رفتاری رابطه ی معنی داری دارد. همچنین سبک فرزندپروری مستبدانه با اختلال بیش فعالی رابطه ی مثبت و با اختلال خلقی رابطه ی منفی معنی داری

دارد. سبک فرزندپروری سهل گیرانه با اختلال بیش فعالی، رفتار و کردار و اضطراب جدایی رابطه ی مثبت و با اختلال خلقی رابطه ی منفی معنی داری دارد. نتایج نشان داد که تنها خرده مقیاس همراهی عاطفی توانست اختلال اضطراب جدایی را پیش بینی کند و سبک فرزندپروری سهل گیرانه اختلال بیش فعالی و اضطراب جدایی، سبک فرزندپروری مستبدانه اختلال رفتار و کردار و اختلال خلقی و سبک فرزندپروری مقتدرانه اختلال اضطراب جدایی را پیش بینی می کنند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر جزو تحقیقات توصیفی - همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه ی دانش آموزان دختر پایه نهم مقطع متوسطه اول بوده که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در شهرستان کهنوج مشغول به تحصیل بودند. جهت به دست آوردن حجم مناسب نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه به این روش ۲۷۰ نفر به دست آمده است. در این پژوهش از روش میدانی جهت جمع آوری داده ها استفاده گردیده است. در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های پرخاشگری، و شیوه های فرزندپروری استفاده گردیده. که به ترتیب به معرفی هر کدام از آن ها پرداخته شده است:

پرسشنامه پرخاشگری باس و پری: برای تعیین میزان پرخاشگری در این پژوهش از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری استفاده شده است. این پرسشنامه توسط ثنایی ذاکر ترجمه شده و اعتبار و پایایی آن توسط لنگری (۱۳۸۷)، به دست آمده است. این پرسشنامه ۲۹ سؤالی، چهار جنبه پرخاشگری شامل پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت را می سنجد. این پرسشنامه همچنین میزان پرخاشگری کلی را اندازه می گیرد (نقدی، ادیب راد و نورانی پور، ۱۳۸۹). در پژوهشی آزمونی بر روی یک نمونه ۱۰۴ نفری از افراد ۱۴-۱۷ سال اجرا شد که آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی کل سؤالات، ۰/۸۵ برای خرده مقیاس های پرخاشگری فیزیکی ۰/۷۳، پرخاشگری کلامی ۰/۸۷، خشم ۰/۷۴ و خصومت ۰/۷۸ به دست آمد. برای روایی سازه، همبستگی درونی بین خرده مقیاس ها با نمره کل محاسبه شد. همبستگی نمره کل با پرخاشگری فیزیکی ۰/۸۴، پرخاشگری کلامی ۰/۷۸، خشم ۰/۸۶ و خصومت ۰/۶۸ به دست آمد. پرسشنامه پرخاشگری در تحقیقات خارجی از پایایی درونی خوبی برخوردار بوده است (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجا که در پژوهش های (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹؛ لنگری، ۱۳۸۷)، روایی و پایایی این ابزار بر روی یک گروه نوجوان تأیید شده است و با توجه به این که قبلاً روایی و اعتبار آن را بر روی یک گروه نوجوان بررسی و تأیید کرده است، بنابراین اجرای این پرسشنامه در جامعه آماری این پژوهش قابل قبول بوده است. هم چنین در پژوهش حاضر میزان پایایی به دست آمده برای کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ به دست آمد که از پایایی خوبی برخوردار بوده است.

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری دیانا بامریند: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه که توسط دیانا باوم ریند (۱۹۹۱)، طراحی شد شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده به شیوه آزادگذاری و ۱۰ ماده به شیوه ی مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر اقتدار منطقی در امر پرورش فرزند مربوط می شود. پرسشنامه دیانا بامریند در تحقیقات متعددی مورد بررسی قرار گرفته و اعتبار و روایی آن به دست آمده چنان چه بوری در سال ۱۹۹۱ پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیر، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه قاطع و اطمینان

بخش و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل گیر، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه قاطع گزارش نمود. هم چنین وی با استفاده از روایی تشخیص نشان داد که روش استبدادی مادر رابطه معکوس با سهل گیری (۰/۳۸-)، روش قاطع و اطمینان بخش (۰/۴۸-)، و مستبد بودن پدر نیز رابطه معکوسی با سهل گیری (۰/۵۰-)، و قاطع و اطمینان بخش (۰/۱۲-)، دارد. در کل نتایج به دست آمده از مطالعات خارجی و داخلی اعتبار و روایی پرسشنامه فرزندپروری را مورد تأثیر قرار می دهند. هم چنین این پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴)، و بینم (۱۳۷۹)، مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است. میزان پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ اقتدار منطقی پدران گزارش شده است. هم چنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰)، و اقتدار منطقی (۰/۵۲)، او دارد. میزان پایایی این ابزار به روش آلفای کرونباخ، در این پژوهش ۰/۶۹ برای آزادگذاری، ۰/۷۳ برای استبدادی، ۰/۸۳ برای شیوه مقتدرانه به دست آمده است و این آزمون از همسانی درونی خوبی برخوردار بود.

یافته ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده تحقیق از روش های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی و در واقع توصیف شاخص های مورد پژوهش، از میانگین، انحراف معیار استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی نیز از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. زیرا متغیرهای شیوه های فرزندپروری به عنوان متغیرهای پیش بین و پرخاشگری به عنوان متغیر ملاک می باشند به علاوه، برای بررسی رابطه ساده بین متغیرهای ذکر شده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده به عمل آمده است. بین سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دانش آموزان دختر متوسطه اول پایه نهم شهرستان کهنوج رابطه وجود داشته است.

جدول شماره ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
سبک فرزندپروری مقتدر	۲۷۰	۳۵/۳۵	۶/۶۷
سبک فرزندپروری مستبد	۲۷۰	۲۹/۳۹	۷/۰۲
سبک فرزندپروری سهل گیر	۲۷۰	۳۰/۲۸	۷/۰۵
پرخاشگری	۲۷۰	۴۱/۰۶	۱۳/۹۵

جدول ۱ یافته های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار سبک های فرزندپروری و پرخاشگری نمونه را نشان می دهد. همان طور که در جدول فوق ملاحظه می شود میانگین نمرات سبک مقتدر (۳۵/۳۵)، سبک مستبد (۲۹/۳۹) و سبک سهل گیر (۳۰/۲۸) و پرخاشگری (۴۱/۰۶) به همراه انحراف معیار آن ها ارائه شده است.

جدول شماره ۲. ضرایب همبستگی ساده بین سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دانش آموزان دختر

پرخاشگری دانش آموزان		متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۱	-۰/۶۳	سبک مقتدر
۰/۰۰۱	۰/۳۹	سبک مستبد
۰/۰۰۱	۰/۴۴	سبک سهل گیر

جدول شماره ۲ نتایج همبستگی بین سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دانش آموزان دختر را نشان داده است. همان طور که ملاحظه گردید مقدار همبستگی به دست آمده بین سبک مقتدر، سبک مستبد و سبک سهل گیر به ترتیب $-۰/۶۳$ ، $۰/۳۹$ و $۰/۴۴$ می باشد که در سطح $P < ۰/۰۰۱$ از لحاظ آماری معنادار شدند. لازم به ذکر است که از بین این متغیرها، سبک فرزندپروری مقتدر با پرخاشگری دانش آموزان رابطه منفی نشان داد و سبک های فرزندپروری مستبد و سهل گیر رابطه مثبت با پرخاشگری دانش آموزان نشان دادند.

جدول شماره ۳. خلاصه مدل رگرسیون همزمان جهت پیش بینی متغیر پرخاشگری دانش آموزان بر اساس سبک های فرزندپروری

متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (مجذور R)	ضریب تعیین تعدیل شده (مجذور R تعدیل شده)
سبک های فرزندپروری	۰/۶۸	۰/۴۵	۰/۴۴

بر اساس مشاهدات جدول شماره ۳ مشخص گردید که همبستگی چندگانه بین سبک های فرزندپروری (مقتدر، مستبد و سهل گیر) با پرخاشگری دانش آموزان دختر برابر با $۰/۶۸$ ، ضریب تعیین برابر با $۰/۴۵$ و ضریب تعیین تعدیل شده آن برابر $۰/۴۴$ می باشد. بدین معنا که ۴۴ درصد از تغییرات متغیر پرخاشگری دانش آموزان دختر به وسیله سبک های مختلف فرزندپروری تبیین شده است.

جدول شماره ۴. خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای پیش بینی پرخاشگری دانش آموزان بر اساس سبک های فرزندپروری

مدل	شاخص مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور	مقدار F	سطح معنی داری
سبک های فرزندپروری	اثر رگرسیونی	۵۷۶۸۹/۴۸	۳	۱۹۲۲۹/۸۲	۷۱/۱۱	۰/۰۰۱
	باقی مانده	۷۱۹۲۵/۳۲	۲۶۶	۲۷۰/۳۹		
	کل	۱۲۹۶۱۴/۸۰	۲۶۹			

جدول شماره ۴ تحلیل واریانس نشان داد مدل رگرسیونی حاضر از نظر آماری معنی دار است. هم چنین نتایج این جدول نشان داد که متغیر سبک های فرزندپروری (مقتدر، مستبد و سهل گیر) با مقدار $F = ۷۱/۱۱$ ، در سطح آلفای $۰/۰۰۱$ معنی دار می باشد.

جدول شماره ۵. ضرایب معادله رگرسیونی همزمان، سبک های فرزندپروری

سطح معنی داری	مقدار t	مقدار استاندارد β	ضرایب غیر استاندارد		عرض از مبدأ
			مقدار خطای استاندارد	مقدار B	
۰/۰۰۱	۱۰/۸۸		۷/۵۱	۸۱/۷۹	عرض از مبدأ
۰/۰۰۱	-۱۱/۸۰	-۰/۵۴	۰/۱۵	-۱/۷۶	سبک مقتدر
۰/۸۵	۰/۱۸	۰/۰۲	۰/۲۶	۰/۰۴	سبک سهل گیر
۰/۰۰۱	۳/۹۸	۰/۳۳	۰/۲۶	۱/۰۳	سبک مستبد

جدول شماره ۵ ضرایب معادله رگرسیونی سهم هریک از متغیرهای پیش بین (سبک های فرزندپروری مقتدر، مستبد و سهل گیر) را در تغییرات متغیر ملاک (پرخاشگری) نشان داد. همان طور که مشاهده شد مقدار بتای سبک های فرزندپروری مقتدر برابر با -۰/۵۴، و مقدار $t = -11/80$ ، در سطح آلفای ۰/۰۰۱ معنی دار می باشد. این به آن معنی است که ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سبک های فرزندپروری مقتدر، ۵۴٪ در انحراف معیار متغیر پرخاشگری تغییر ایجاد می شود. مقدار بتای سبک های فرزندپروری مستبد برابر با ۰/۳۳، و مقدار $t = 3/98$ ، در سطح آلفای ۰/۰۰۱ معنی دار می باشد. این به آن معنی است که ازای یک واحد تغییر در انحراف معیار سبک های فرزندپروری مستبد، ۳۳٪ در انحراف معیار متغیر پرخاشگری تغییر ایجاد می شود. بنابراین، از بین سبک های فرزندپروری، سبک سهل گیر از لحاظ آماری معنی دار نشد و نتوانست پیش بینی کننده پرخاشگری دانش آموزان باشند. لازم به ذکر است که از بین متغیرهای ورودی معادله رگرسیون، سبک فرزندپروری مقتدر پیش بینی کننده منفی و سبک فرزندپروری مستبد پیش بینی کننده مثبت پرخاشگری دانش آموزان دختر می باشند.

بحث و نتیجه گیری

تجزیه و تحلیل ضرایب همبستگی ساده بین سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دانش آموزان دختر نشان داد که از بین این متغیرها، سبک فرزندپروری مقتدر با پرخاشگری دانش آموزان رابطه منفی نشان دادند و سبک های فرزندپروری مستبد و سهل گیر رابطه مثبت با پرخاشگری نشان دادند. این یافته نیز با نتایج تحقیقات ارگیز و همکاران (۲۰۰۶)، انگریست و همکاران (۱۹۹۶)، زیمر و همکاران (۲۰۰۷)، لیو (۲۰۱۱)، گرشوف (۲۰۰۲)، کوپنس و همکاران (۲۰۰۹)، کونگر و همکاران (۲۰۰۳)، میچلز و همکاران (۲۰۰۸)، غلیزاده و آندریس (۲۰۰۵)، سامروف (۲۰۰۴)، مک کوبی و مارتین (۱۹۸۳)، جانسون (۱۹۸۷)، سیدموسوی، نادعلی و قنبری (۱۳۸۷)، روزی طلب، ابراهیمی و پشین (۱۳۹۲)، بالاخانی (۱۳۹۰)، شفیع پور، شیخی، میرزایی و کاظم نژادلیلی (۱۳۹۴) و کارازه، عبدی و حیدری (۱۳۹۴) همسو و همخوان می باشد. به عنوان نمونه بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با تاب آوری، منبع کنترل و پرخاشگری فرزندان عنوان تحقیقی است که توسط بالاخانی (۱۳۹۰)، انجام شده؛ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات بیانگر آن است که بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیرانه والدین با تاب آوری فرزندان رابطه

معناداری وجود دارد که این رابطه در مورد شیوه مقتدرانه در مورد شیوه های مستبدانه و آسان گیرانه معکوس می باشد. نیز بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه والدین با منبع کنترل دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد، که رابطه در مورد شیوه مقتدرانه مستقیم و در مورد شیوه مستبدانه معکوس می باشد. این در حالی است که نتایج نشان می دهد بین شیوه فرزندپروری آسان گیرانه والدین و منبع کنترل فرزندان رابطه معناداری وجود ندارد. هم چنین وجود رابطه معنادار بین شیوه های فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه و آسان گیرانه والدین با پرخاشگری فرزندان تأیید شده است، به این صورت که در مورد شیوه مقتدرانه و مستبدانه رابطه مستقیم و در مورد شیوه آسان گیرانه رابطه معکوس می باشد و در ادامه مشخص شد که سبک های فرزندپروری توانایی پیش بینی پرخاشگری فرزندان را دارا هستند هم چنین می توان این گونه ادعا نمود که بهترین سبک فرزندپروری برای کاهش پرخاشگری دختران نوجوان، سبک دموکراتیک است. این سبک بیانگر تعامل مناسب و توأم با صمیمیت و در عین حال، کنترل منصفانه و واقع بینانه است، ولی سبک فرزندپروری سهل گیرانه و استبدادی بیانگر تعامل نامناسب و کنترل غیرمنطقی فرزندان می باشد. جهت تبیین این یافته می توان چنین بیان نمود که نحوه ی ارتباط والدین با کودکان، قوی ترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می شود به خصوص در دوره هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می شود. والدینی که در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی ثباتند، در نحوه ی تربیت فرزندان با یکدیگر توافق ندارند، از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر طرد حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دوگانه، سستی موازین اخلاقی، کمال جویی های غیر منطقی و عصبانیت و بی ثباتی عاطفی استفاده می کنند، رفتارهای نوروپیک را در کودکان تثبیت می کنند و سبب می شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می شود، ناکام بمانند (مک کارتی و لو، والیر و دیگران، ۲۰۰۴). بامریند (۱۹۹۱)، سبک فرزندپروری را به عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می کند و با توجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل آن را به انواع مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه تقسیم می کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می شود. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته ها و تقاضاهای آن ها را بی چون و چرا برآورده کنند. نتایج پژوهش ها نشان داده است که والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می کنند، خودپیروی کودکان شان را محدود می کنند و خودشان تصمیم می گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است (دهارت، پلهام و تنن، ۲۰۰۶). سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می شود. والدین با این سبک تربیتی به صورت افرادی گرم و صمیمی توصیف شده اند. آن ها د گرم و صمیمی توصیف شده اند. آن ها در عین حال که بر رفتارهای کودکان نشان کنترل دارند، برای خواسته هایی که از فرزندان خود انتظار دارند نیز از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می کنند و قواعد آشکاری را برای رفتار مناسب فرزندان خود تعریف می کنند. این سبک فرزندپروری با پیامدهای مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالا، اتکا به خود بالاتر و روابط بهتر با همتایان رابطه دارد (ریتمن، رود، هاپ و آلتوبلو، ۲۰۰۲). سبک فرزندپروری سهل گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ دهی به خواسته های کودک مشخص می

شود. والدین سهل گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (هاپاسالو و ترمبلائی، ۱۹۹۴). والدینی که از سبک فرزندپروری سهل گیرانه استفاده می کنند از اعمال قواعد ناپایدار یا فاقد ساختار استفاده می کنند. هر چند ممکن است این والدین با عاطفه باشند ولی، شکست آن ها در نظم دهی به رفتار کودکان شان می تواند به عزت نفس پایین منجر شود زیرا کودکان نیز در یادگیری شکل های مناسب خود نظم بخشی با شکست مواجه می شوند (دهارت و همکاران، ۲۰۰۶). سبک فرزندپروری مستبدانه والدین با پیامدهای رفتاری منفی همچون پرخاشگری، اختلال های برون نمود و درون نمود و کارکرد هیجانی پایین تر در ارتباط است (وبستر -استراتون، ۲۰۰۵). کودکان این والدین به مشارکت و همکاری تمایلی ندارند و از عزت نفس پایین، افسردگی و مشکلات در تصمیم گیری در سنین بزرگسالی رنج می برند. سبک فرزندپروری مقتدرانه با رفتارهای ضداجتماعی رابطه ی منفی دارد، کودکان این والدین از لحاظ پیامدهای اجتماعی -هیجانی و تحصیلی در وضعیت مطلوبی قرار دارند از عزت نفس بالایی برخوردارند و گرایش به خوداتکایی، خودکنترلی و کنجکاوای در آن ها زیاد است (بوگنتال و گروسس، ۲۰۰۶). بنابراین با توجه به تبیین هایی که در مورد سبک های فرزندپروری به عمل آمد و نتایج پژوهش های گذشته و نتیجه حاصله مورد تایید واقع می شود.

۱. طبق نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر شخصیت آدمی در دوران کودکی و نوجوانی پی ریزی می شود. میزان مفید بودن او به چگونگی شکل گیری شخصیت وی و حل مسائل و مشکلات او در دوران کودکی و نوجوانی بستگی دارد. به منظور رشد و پیشرفت جامعه، همه افراد و مؤسسات بهداشت روانی موظف به توجه به مسائل کودکان و نوجوانان و مہیاکردن زمینه برای فرآیند تشخیص و درمان مشکلات آنان هستند. بنابراین با توجه به شیوع چشمگیر پرخاشگری و تاثیر آن بر عملکردهای درون فردی و بین فردی، توسعه و طراحی راهبردهای درمانی برای کاهش اثرات مخرب این اختلال در زندگی کنونی و آینده نوجوان، لازم و ضروری به نظر می رسد.

۲. پیشنهاد می شود با هماهنگی بین نهادها و ارگان های ذیربط و دادن آگاهی های لازم به خانواده ها و دانش آموزان در انسجام هرچه بیشتر خانواده ها اهتمام ورزید و با افزایش مهارت های زندگی و بهبود سلامت روان مخاطبین از آسیب های اجتماعی پرخاشگری و عوارض ناشی از خشم های کنترل نشده پیشگیری نمود.

۳. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود از طریق ایجاد کارگاه هایی برای والدین در زمینه تغییرات و ویژگی های دوره نوجوانی و چگونگی ارتباط با فرزندان در این دوران جهت افزایش آگاهی و دانش والدین و هم چنین آموزش شیوه های فرزندپروری مبتنی بر تقویت و پاداش و مثبت گویی در جهت ارتقای عزت نفس فرزندان و کاهش پرخاشگری و ارائه تکنیک های افزایش شادمانی بتوان انسجام و انعطاف پذیری خانواده را افزایش داد.

۴. در طول سال ها، این مسأله کشف شد که سبک کنترل والدین و شیوه های فرزندپروری آثار مهمی در رشد همه جانبه و رفتار کودک و نوجوان از لحاظ زیستی-روانی و اجتماعی دارد و آموزش مدیریت والدین یکی از روش هایی است که در درمان اختلالات رفتاری از جمله پرخاشگری بر سایر روش ها برتری دارد از این رو پیشنهاد می شود در زمینه آموزش مدیریت والدین جهت کاهش مشکلات رفتاری فرزندان اقداماتی مؤثر توسط سازمان آموزش و پرورش و مجری آن یعنی مدارس انجام پذیرد.

۵. با توجه به شیوع پرخاشگری میان دانش آموزان مدارس و پیامدهای ناشی از آن ضرورت دارد که مدیران، معلمان و متولیان امر تعلیم و تربیت به برگزاری کارگاه های آموزشی ویژه نوجوانان با هدف آموزش کنترل خشم و پرخاشگری بپردازند. بدین ترتیب با آگاهی بخشی به نوجوانان، می توان دامنه ی مهارت های آنان را افزایش داد و زندگی کم خطرتری را برای آنان مهیا نمود.

۶. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می شود مسئولین مدارس به برگزاری دوره های آموزشی با محتواهای مختلف از جمله تسلط بر هیجان، رابطه ی والد-فرزند می شود مسئولین مدارس به برگزاری دوره های آموزشی با محتواهای مختلف از جمله تسلط بر هیجان، رابطه ی والد-فرزند و شیوه های صحیح تربیتی، آموزش کنترل خشم و مهارت های زندگی برای والدین دانش آموزان بپردازند.

منابع

- آهنگر انزایی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز؛ فرج زاده، رباب. (۱۳۹۰). رابطه سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، ۱(۱)، ۸-۱.
- بالاخانی، زیبا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین شیوه های فرزندپروری والدین با تاب آوری، منبع کنترل و پرخاشگری فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور تهران.
- روزی طلب، پریا؛ ابراهیمی، زهرا؛ پشین، پریسا. (۱۳۹۲). رابطه ی سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دختران نوجوان شهر تهران. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- شفیع پور، زهرا؛ شیخی، علی؛ میرزایی، مهشید؛ کاظم نژادلیلی، احسان. (۱۳۹۴). سبک های فرزندپروری و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان. پرستاری و مامایی جامع نگر، ۲۵(۷۶)، ۴۹-۵۶.
- صافی، احمد؛ صافی، ناصر. (۱۳۸۸). پرخاشگری کودکان و نوجوانان و نقش والدین و مدارس در پیشگیری و کاهش آن. پیوند، ۲۳(۳)، ۳۶-۷۴.
- کارازه، شیلا؛ عبدی، منصور؛ حیدری، حسن. (۱۳۹۴). بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری. اندیشه و رفتار، دوره نهم، ۳۶(۱)، ۱۷-.
- گلچین، مهری. (۱۳۸۱). تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی، ۲۱(۲)، ۳۶-۴۱.
- لنگری، رضا. (۱۳۷۸). مقایسه میزان پرخاشگری دانش آموزان پسر مهاجر و غیرمهاجر سال اول متوسطه دبیرستان های شهر بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۷. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم.
- ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، آلتا کارول، کانجر، جان جین وی (۲۰۱۲). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی (۱۳۹۱). چاپ سیزدهم، تهران: مرکز.

• نقدی، هادی؛ ادیب راد، نسترن؛ نورانی پور، رحمت الله. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان.

- Alizadeh, H., & Andries, C. (2005). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child and Family Behavior Therapy*, 24, 37-52.
- Angrist, J. D., Imbens, G. W. and Rubin, D.B. (1996). Identification of causal effects using instrumental variables. *Journal of the American Statistical Association*. 91, 444- 555.
- Argys, L. M., and Ress, D. I. (2006). Birth order and Risky adolescent behavior. *Economic Inquiry*. 44, 215° 233.
- Bugental, D. B., & Grusec, J. E. (2006). Socialization processes. In W. Damon & R. M. Lerner (Eds. In chief) & N Eisenberg, (Vol. Ed.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, Emotional and Personality Development* (6th ed., pp. 366° 428). New York: John Wiley and Sons.
- Conger, RD., Neppl, T., Kim KJ, Scaramella, L. (2003). Angry and aggressive behavior across three generations: A prospective, longitudinal study of parents and children. *J Abnorm Child Psychol.*; 31: 143-160.
- De Hart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: parenting style and implicit self-esteem. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 1-17.
- Gershoff, ET. (2002). Parental corporal punishment and associated child behaviors and experiences: A metaanalytic and theoretical review. *Psychol Bulletin.*; 128: 539-579.
- Haapasalo, J., & Tremblay, R. E. (1994). Physically aggressive boys from ages 6 to 12: Family background, parenting behavior, and prediction of delinquency. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 62, 1044-1052.
- Johnson, G.J. (1987) Perceived over qualification and dimensions of job satisfaction: a longitudinal analysis, *Journal of Psychology*, 134, 5, pp. 537-555.
- Kuppens, S., Grietens, H., Onghena, P., Michiels, D. (2009). Associations between parental control and children's overt and relational aggression. *British J Dev Psychol.*; 27: 607-62
- Liu J.(2011). Early health risk factors for violence: Conceptualization, evidence, and implications. *Aggression and ViolBehav.*; 16: 63-73.
- Maccoboy, E. E., & Martin, J. A.(1983). Socialization the context of the family: parent-child interaction un Published manual university (vole 4,PP 72-101) New York: Wiley.
- McCarty, C. A., Lau, A. S., Valeri, S. M., & et al. (2004). Parent- Child interactions in relation to critical and emotionally overinvolved expressed emotion: is EE a proxy for behavior? *J abnorm Child Psychol* , 32: 83-93.
- Michiels, D., Grietens, H., Onghena, P., Kuppens, S. (2008). Parent-child interactions and relational aggression in peer relationships. *Dev Rev.*; 28: 522-540.
- Reitman, D., Rhode, P. C., Hupp, S. D. A., & Altobello, C. (2002). Development and validation of the parental authority questionnaire~ revised. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 24, 119° 127.

- Sameroff, A. (2004). Parental discipline and externalizing behavior problems in early childhood: The roles of moral regulation and child gender. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 32, 369-383.
- Webster-Stratton, C. (2005). Aggression in young children: Services proven to be effective in reducing aggression. Reved. Tremblay RE, Barr RG, Peters RDeV, eds *Encyclopedia on Early Childhood Development*.
- Zimmer, Gembeck, M. J., lockes, E. M., (2007). The socialization of Adolescent coping Behaviours: Relationship with families and Teachers. *Journal of Adolscence*, Vol. 30, 8-16.



Abstract

This study aimed to predict aggressive behaviors of students based on parenting practices among secondary school students first base was the ninth in Kahnoot city. The sample consisted of 270 female students of high school (ninth base) Kahnoot city who were selected by simple random sampling. In this study was used to collect data from Boss and Perry's Aggression Questionnaire, and parenting styles questionnaire Diana. And to analyze the collected data, the simultaneous linear regression, Pearson correlation coefficients were used. Spss20 and statistical software was used for data analysis. The results indicated that authoritative parenting style showed a negative relationship with students' aggression and authoritarian and neglectful parenting style showed a positive relationship with aggression. In the following analysis, regression coefficients indicated that authoritative parenting style could predict aggressive students negatively and positively authoritarian parenting style could predict aggression. Finally, in the general regression model, the authoritative style could negatively predict aggression.

Keywords: Aggression, parenting practices.

